

اشاره:

پذیرش مسولیت‌های اجتماعی از سوی مردم در جامعه، نیاز به مقدماتی دارد. شاید قبل از هر چیز لازم باشد تا مردم، بر روی نقش و جایگاه خود بیش از پیش دقت کنند.

حضور مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، مبتنی بر علل و عوامل متعددی است که جا دارد به هر یک از آن عوامل به طور مجزا پرداخت اما به نظر میرسد مهمترین عاملی که نشان میدهد مردم تا چه میزان خود را در جامعه، مسئول می‌دانند، «فرهنگ» حاکم بر آن جامعه است.

این سخن بدین معناست که در عرصه‌هایی همچون انتخابات و سایر مسائل جاری در کشور، یک فرد چه مقدار فرهنگ مسولیت پذیری داشته باشد و خود را در قبال کشور و جامعه مسئول بداند و در مسائل متعدد جامعه، مشارکت داشته باشد.

به عنوان مثال ممکن است در جامعه‌ای، فردی به مشکلی برخورد کند و همه به او کمک کنند؛ گاهی هم برعکس، ممکن است در جامعه‌ای، فردی به مشکلی برخورد کند و سایرین بی‌اعتنا از کنار او عبور کنند.

در شکل‌گیری چنین فرهنگی بر جامعه، قطعاً عوامل متعددی همچون عوامل احساسی، عاطفی، سیاسی، شناختی و... موثر هستند. بنابراین مسولیت پذیری در جامعه عوامل متعددی دارد که میتوان به مهمترین آنها اینگونه اشاره کرد.

با «کم» شدن فاصله‌ها رأی‌ها «زیاد» می‌شود

مشارکت حداکثری در انتخابات از منظر جامعه‌شناسی

قاسم ابراهیمی پور

محبت و مهربانی، عامل انسجام اجتماعی

در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران خداوند متعال می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»

در این آیه به رحمت و مهربانی پیامبر اکرم اشاره شده است. حاصل این محبت و رحمت چیست؟ همان طور که در متن آیه نیز بیان شده، حاصل این محبت و رحمت، «انسجام اجتماعی» است، به طوری که اگر غیر این

باشد، مردم و به تعبیر دقیق‌تر، امت اسلامی از اطراف پیامبر پراکنده می‌شوند. آیه چنین بیان می‌کند که پیامبر اسلام به گونه‌ای با دیگران برخورد می‌کردند که همواره مورد علاقه مردم بودند و محور تمام تحولات به شمار می‌رفتند.

محبت، مشارکت می‌آورد!

محبت و دلسوزی کارگزاران حکومت نسبت به مردم، موجب عمیق شدن پیوند بین آنها می‌شود. آنچه امروز تحت عنوان پیوند بین

دولت و ملت یا به تعبیر صحیح اسلامی آن، پیوند میان امام و امت از آن یاد میشود، از مهم‌ترین عوامل مشارکت مردمی است، به عبارت دیگر احساس تعلق امام و امت یا مسئولین با مردم عامل تعیین‌کننده مشارکت مردمی است. محبت هم دو دسته است: محبت پایدار و محبت ناپایدار.

محبتی پایدار است که فراتر از مسائل شخصی و حزبی و جنایی باشد. محبتی که پایدار باشد، ثمراتی همچون ایثار و گذشت و فداکاری و... را به دنبال خواهد داشت. اینکه مشاهده می‌کنید در جامعه‌ای مردم حاضر هستند دست به فداکاری بزنند و از جان و مال خود بگذرند، دلیلش این است که چون بین خود و جامعه فاصله‌ای نمی‌بینند و در واقع فاصله‌های اجتماعی بواسطه محبت، مودت و دلسوزی برطرف شده است. به عنوان مثال شخصیتی همچون شهید حاج قاسم سلیمانی بواسطه محبت و دلسوزی که بین او و مردم جامعه بوجود آمده، شهادتش نیز موجب باعث انسجام اجتماعی بیشتر میشود چراکه مردم بین خود و حاج قاسم، فاصله‌ای نمی‌بینند. مقام معظم رهبری که فرمودند «مکتب شهید سلیمانی»، یکی از ویژگی‌های این مکتب، همین نکته است که البته لازم است تا سایر مسئولین نیز از آن الگو بگیرند.

انتخاب درست در گرو شناخت درست

مسئله دیگری که از آیه ۵۹ سوره نساء به دست می‌آید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» اشاره به بُعد شناختی مسأله دارد یعنی مردم از روی شناخت، ایمان بیاورند به پیامبر و اطاعت کنند. اطاعت چه زمانی رخ می‌دهد؟ زمانی که فرد، با شناخت و آگاهی کامل کاری را انجام دهد؛ به تعبیر دقیق‌تر عمل صالح ریشه در معرفت و شناخت جامعه دارد، هنگامی جامعه می‌تواند عمل صالح انجام دهد و افراد صالح را به عنوان کارگزار انتخاب کند که فهم و شناخت خود را بالا ببرد. بنابراین انتخاب درست ما ریشه در شناخت صحیح ما دارد.

فاصله‌ها را کم کنیم...

در بحث همدلی بین مسئولین و مردم همان طور که در آیه ۱۵۹ آل عمران نیز بیان شد، این آیه دقیقا انگشت روی عواطف و احساسات جامعه گذاشته است، یعنی آیا بین مردم و مسئولین همدلی وجود دارد؟ و اگر وجود ندارد، دلیل آن چیست و عامل این تعلق چه می‌باشد؟

اگر مسئولین طبقه جدایی از مردم باشند و جامعه مبتلا به اختلاف طبقاتی شود، این همدلی و محبت از بین میرود. پس نکته اصلی این است که شناخت کافی به علاوه انگیزه، در کنار هم، یک مشارکت خوب را رقم می‌زنند.

منظورمان از انگیزه، همدلی و همراهی است که این مسأله، خود مهم‌ترین عامل در انسجام اجتماعی محسوب می‌شود. دلیلش هم روشن است، چراکه همدلی بسیاری از مشکلات جامعه را حل می‌کند؛ درست است که جامعه قانون و حقوق و تکالیف و غیره دارد و به کمک این موارد، مشکلات جامعه تا حدی مرتفع می‌شود اما این امر به تنهایی، ایده‌آل و مطلوب نیست، ما به دنبال سطح بالاتری از جامعه هستیم که عبارت است از جامعه اخلاق مدار.

خوف و رجاء و تکلیف

از آیات مطرح شده، سه مولفه اساسی نسبت به حضور حداکثری و مشارکت در جامعه به دست می‌آید که این سه مولفه عبارت است از: خوف و رجاء و تکلیف، ترس از مشارکت و با ترس از عدم مشارکت، با همدلی و همراهی، خیلی بهتر خود را نشان میدهد.

یعنی گاهی اوقات فردی دوست دارد در انتخابات شرکت کند تا فرد مورد نظرش انتخاب شود و یا اینکه می‌ترسد فرد مورد نظرش انتخاب نشود و یا گاهی بر خود تکلیف می‌داند که شرکت کند، اگر آن همدلی در اینجا باشد، مشارکت خیلی بهتر اتفاق می‌افتد و مردم صرف اینکه یک منفعتی و لذتی برای آنها دارد، مشارکت نمی‌کنند و تحت هر شرایطی حتی اگر در مواقعی شرایط اقتصادی هم مطلوب نباشد، باز شرکت می‌کنند و این همدلی نیازمند پر شدن فاصله بین مردم و مسئولین و پرهیز از اشرافی‌گری مسئولین است.

بنابراین آنچه در درجه اهمیت بالا قرار دارد، انسجام اجتماعی است؛ انسجام اجتماعی با همدلی، محبت، دلسوزی و ارتقای شناخت و فهم نسبی اجتماعی رخ می‌دهد؛ در نتیجه شاهد حضور و مشارکت بالای مردم نیز خواهیم بود.

